



سزار آیرا

# کنگره‌ی ادبیات

ترجمه‌ی ونداد جلیلی

- جهان‌نو -

## سزار آیرای اعجوبه

روبرتو بولانیو

اگر یک نویسنده‌ی معاصر باشد که بتوان او را در دسته‌ای مشخص جا داد، سزار آیرا است. نویسنده‌ای آرژانتینی اهل شهری کوچک در استان بونوس آیرس به نام کورونل پرینگلس، که گمانم واقعاً وجود داشته باشد، البته اصلاً هم بعید نیست زاده‌ی تخیل این پسر نابغه‌اش باشد، که پرتلهایی در اوج شفافیت از مادرش (رازی لفظی) و پدرش (قطعی هندسی) رسم کرده است و در ادبیات معاصر اسپانیایی زبان جایگاهی هم‌ارز با جایگاه ماسه‌دونیو فرناندس در آغاز قرن بیستم دارد.

قبل از هر چیز بگویم که یکی از بهترین داستان‌هایی که من خوانده‌ام، نوشته‌ی آیرا است. این داستان سسیل تایلر نام دارد. او ضمناً چهار رمان به یادماندنی نوشته است: چه شد که راهبه شدم که در آن به سراغ کودکی‌اش می‌رود، إمای در بند درباری سرخپوستان مراتع آمریکای جنوبی، کنگره‌ی ادبیات که در آن قصه‌ی تلاش‌های شخصیتش را به قصد تاگ‌سازی کارلوس فوننتس بازگو می‌کند و گریه که در آن کشمکش‌های بی‌خوابی را کندوکاو می‌کند.

طبیعتاً این‌ها همه‌ی کتاب‌هایی نیست که او نوشته است. به من گفته‌اند آیرا دست‌کم سالی دو کتاب می‌نویسد و بعضی‌شان را یک بنگاه نشر کوچک آرژانتینی به نام بناتریس ویترو منتشر می‌کند که نامش را از شخصیت داستان الف، نوشته‌ی بورخس، گرفته است.